

«فرهیختگان» به بررسی شنیده شده‌ترین آهنگ‌هایی می‌پردازد که خوانندگانی ناشناخته دارند

پیدا کنید صاحب اثر را

محمد حسین سلطانی
خبرنگار

اوایل دهه ۸۰ است و در لیست پخش MP۳ پلرها، ضبط ماشین‌ها، میان سسی‌دی‌های دستفروشان کنار خیابان یا گوشی‌هایی که تازه مزین به بلوتوث شده، انواع و اقسام آهنگ‌ها به چشم می‌خورند. برای آنکه به اصطلاح فرنگی‌ها یک آهنگ «وایرال و هیت» شود، اینترنت مسیر مناسبی نبود و هیت شدن به معنی بیشتر چرخیدن در بلوتوث‌ها بود.

محمد زارع و حامد هاگان؛ خوانندگانی که با ستاره‌ها کار کردند

وقتی سال ۱۳۸۴ آهنگ «رودرودیوار این شهر» بین مردم می‌چرخید در کنار اسم خواننده این اثر، نامی غیرواقعی بر سر زبان‌ها افتاد. کسانی که در زیرزمین خانه‌ها آلبوم و آهنگ محمد زارع را پخش می‌کردند، صاحب این اثر را در اقدامی تعمدی یا غیرتعمدی کپیارش قیمتی معرفی کردند. خود زارع هم در مهرماه سال بعد، گفت‌وگویی کرد و گفت نمی‌داند این نام از کجا آمده و برای کیست؟ و حتی وقتی شنیده آهنگ‌هایش با نام افراد دیگری به بازار می‌رود تا مرز سگته پیش‌رفته است. با این حال زارع چند آهنگ دیگر مانند «وقتی رفتی باز هوا بد شد» و «اونکه رفته» را پخش کرد و حتی کنسرتی هم در تبریز برگزار کرد، جالب است که در برخی از اجراهای زارع، امید حاجیلی به عنوان نوازنده ترومپت حضور داشت. زارع که در زمان وایرال شدن «رودرودیوار این شهر» ۲۱ سال داشت، زود خاموش شد و حتی اجرای این آهنگ در برنامه‌هایی چون «رادیو هفت»، «دوره‌می» و ساختن «رودرودیوار این شهر» هم نتوانست او را به سر زبان‌ها برگرداند.

خارجی‌ها به جای داخلی‌ها، داخلی‌ها به جای خارجی‌ها

ماجرای فراموش شدن نام‌ها تنها به دهه ۸۰ بر نمی‌گردد. اوایل دهه ۵۰ با یک بیات خواننده‌ای را به عرصه موسیقی معرفی کرد که در میان خوانندگان مشهور پاپ آن دوران استعدادی محسوب می‌شد. علی‌طوفی فرد با نام هنری علی سهراب یکی از این نام‌ها بود. او در همان جوانی از رشت به تهران آمد تا خواننده شود. استعداد و توانایی صدای او را آهنگساز مشهور یعنی بابک بیات کشف کرد. سهراب هم فرصت را مغتنم شمرد و با آهنگ «خاکستری» بر سر زبان‌ها افتاد. از بد حادثه پس از سهراب، ابراهیم حامدی آن را بازخوانی کرد و به دلیل شهرت او عملاً نام سهراب از روی این آهنگ حذف شد. چندین سال بعد و در سال ۱۳۷۳ سهراب با خواندن تیتراژ پایانی فیلم سینمایی دیدار، ساخته محمدرضا هنرمند، تلاش کرد دوباره روی صحنه برگردد اما این اتفاق نیفتاد و آهنگ‌های شنیده نشده‌اش از آثار شنیده‌شده‌اش بیشتر شد. میان صداهای جوانی که در دهه ۸۰ عرض‌اندام کردند، روزبه نعمت‌الله از متفاوت‌ترین صداها بود. او آن روزها که تازه از سوریه فارغ‌التحصیل شده بود، با چند آهنگ خودش را سر زبان‌ها انداخت که یکی از آنها داستانی جالب دارد: آهنگ «دریا» که مردم آن را با عنوان «دریا اولین عشق مرا بردی» می‌شناسند، درحقیقت



یادداشت

نگاهی به کتاب «مسکوی کوچک افغانستان»

درسایه تاریخ

آزاده جهان‌احمدی
خبرنگار

در تاریخ ثبت خواهد شد. این فضای مطالبه و آتش تند اخراج اتباع افغانستانی از ایران و هم علت حضور بی شمار افغانستانی‌هایی که مجبور به اقامت در ایران شدند؛ چه قانونی و چه غیرقانونی؛ اما نباید گذاشت و حتی باید نگران بود از فراموشی تأثیر حضور آن‌ها بر فرهنگ و زیست اجتماعی ما. کتاب مسکوی کوچک افغانستان یک فرصت خوب است برای شناخت از برخی علت‌های حضور افغانستانی‌ها در ایران و حتی تأثیری که بخشی از این جمعیت در معادلات داشتند. خاطره، تجربه زیسته انسان در تاریخ است؛ تجربه‌ای که درک و احساس آن با گذر زمان پدید می‌آید و نموداری از جریان زندگی در ساخت ذهن بشر است. خاطره اگر براساس چهارچوب وقوع آن و شیوه درست روایت ارائه شود، صدای رویدادهای پیشین را به امروز و فردا خواهد رساند. رویدادهایی که در تاریخ هر جامعه بستری برای پیش‌رفت و یا پس‌رفت خواهند بود. «مسکوی کوچک افغانستان» خاطرات نجیبه اصغری، مادر شهید مدافع حرم، احمدشکیب احمدی است که توسط انتشارات سوره مهر منتشر شده است. این اثر بیانگر وقایعی است که این بانوی افغانستانی از زمان حضور در افغانستان و رویدادهای مرتبط با جنگ داخلی این کشور و نیز اتفاقات مربوط به شهدای لشکر فاطمیون از سرگذرانده است.

این کتاب فقط ۲۳۲ صفحه از زندگی ۵۰ساله نجیبه است. داستان اصلی از موشک باران کابل در سال ۱۳۷۱ شروع می‌شود. مردم کابل را ترک کرده بودند و کابل ویرانه‌ای بیش نبود. راوی می‌گوید: «تمام آن روز و آن شب، بدن آن زن‌ها از جلوی چشمانم دور نمی‌شد. چشمانم را که می‌بستم بدن‌های بی‌سرن زنان تاریک خانه ذهنم را پر می‌کرد و بی‌هوا از جابم می‌پریدم. در آن دوره دولت براساس تفکر کمونیستی اداره می‌شد و اهل تنستن در رأس بودند. نجیبه در حالی که کودک است در چنین شرایط دشواری با مدیران سنی مدرسه گریبان‌گیر می‌شود و از شیعه بودنش دفاع می‌کند. این یعنی کور سوی امپد برای بهترکردن اوضاع روزهایی که برای هزاره‌های شیعه سخت می‌گذشت. نجیبه تنها دخترک شیعه مدرسه نبود. او و دیگر دوستانش به جای اطاعت از اهل‌تسنن، دفاع می‌کردند: «پدرم عاشق امام علی (ع) بود و به ما دوازده امامی و اصول‌دین را یاد داده بود و معلم‌ها نمی‌توانستند به زور چوب و کتک عقاید خودشان را به ما تحمیل کنند.» درواقع این کتاب به خوبی نشان می‌دهد نسل به نسل در اقصا نقاط جهان شیعیان مانند اولیا هزینه اعتقاد خود به ولایت را با خون و جانشان می‌دهند.

نشر کتاب بدون لکت و روان برای مخاطب می‌گردد. راوی این زندگی یعنی نجیبه در ۱۵سالگی از مادر یتیم می‌شود. قاعدتاً شهادت مادر ضربه سهمگین بر روح و روان یک دختر نوجوان ۱۵ ساله وارد می‌کند. نجیبه که از همان ابتدا پدرش را او هم در دختر خود می‌داند هم مادر، تمام تلاشش را می‌کند تا افسار زندگی را بسازد در دست بگیرد. خودش برای پدرش همسری اختیار می‌کند تا به اوضاع خانه‌ش سرسوسمان بدهد. بازنامایی ازدواج نجیبه که قبل از شهادت مادر بر سر زبان‌ها افتاده و هربار که او

راک با سرنوشتی تلخ

شاید بتوان لقب تلخ‌ترین سرنوشت را در لیست فراموش‌شدگان به هادی پاکزاد اختصاص دهیم. پاکزاد ۳۳ ساله، یک سال پس از آنکه توانست آلبوم خود را با عنوان تاریکی منتشر کند. دست به خودکشی زد و در ۳۳ سالگی به زندگی خود پایان داد. پس از فوت او در سال ۹۵، آخرین آلبومش با نام تاریکی بر سر زبان‌ها افتاد و از پرآلودترین آثار هفته شد. پاکزاد در نسبت باقی افراد لیست یک تفاوت فاحش داشت، او پاپ خوان نبود و صدایش را با گیتار الکترونیک و راک کوک کرده بود. اهالی موسیقی و به خصوص خوانندگان راک مثل کاوه آفاق او را استعدادی جدید در این عرصه می‌دانستند. علی‌رغم این تعریف‌ها، پاکزاد هیچ‌گاه نتوانست بین مخاطبان جایی ثابت داشته باشد و تا

خواننده‌ای که خودش پیدا شد

بعد از پخش قسمت هفتم «صداتو»، یکی از ناشناخته‌ترین اسامی موسیقی ایران، پیدا شد. ترانه‌نهایت‌ترین عاشق، با شعر «انگار دستام سرد سردن»، که سال‌ها به نام آهنگ فریدون فروغی شناخته می‌شد، معلوم شد چندسال پس از فوت فروغی و توسط سعید فلاح ساخته شده. فلاح پس از ۱۹ سال اعلام می‌کرد که صاحب این اثر اوست و «انگار دستام» را در دوران جوانی خود ساخته است. البته فلاح تنها قربانی جوان صنعت پاپ در آن سال‌ها و البته عدم رعایت کپی‌رایت در ایران نبود و می‌توان گفت اکثریت خوانندگان آن دوران دچار این مسئله شدند و اگر شانس همراه‌شان نبود با نام‌هایی من‌درآوردی آهنگ‌هایشان منتشر می‌شد.

۱۰ آهنگی که بدون اسم خواننده معروف شدند

نام خواننده	آهنگ مشهور	سال انتشار آهنگ
محمد زارع	رودرودیوار این شهر	۱۳۸۴
حامد هاگان	نشکن دلمو	۱۳۸۵
سروش	به دنیا	۱۳۸۴
علی سهراب	خاکستری	۱۳۵۶
هادی پاکزاد	تاریکی	۱۳۹۴
نیما چهرازی	دریا	۱۳۷۵
آرش دلفان	حالا من به آرزو دارم تو سینه	۱۳۸۲
مازیار عصری	راز	۱۳۸۴
مجید رکنی	آخرین معشوق	۱۳۸۳
امین حبیبی	بی‌قرار	۱۳۸۶

پایان عمر خود جدی گرفته نشد. از دیگر نام‌هایی که در پایان دهه ۷۰ و طی دهه ۸۰ مطرح شد مازیار عصری بود که با ترانه «راز» یا «همان خواب‌از چشم‌ام بگیر مثل همیشه» توانست در سال ۸۴ جزه خوانندگان مطرح باشد و جایزه بهترین خواننده پاپ تلویزیون را هم از آن خود کند و مکرراً به عنوان میهمان به تلویزیون دعوت شود. با این حال پس از گذشت آن سال‌ها عصری هم عمر شهرتش تمام شد و به فراموشی سپرده شد. این اتفاق برای امین حبیبی هم رخ داد. حبیبی که با آهنگ بی‌قرار یا همان «اونکه یه وقتی تنها کسم بود» جزء شنیده‌شده‌ترین خوانندگان دهه ۸۰ قرار می‌گرفت، دیگر نتوانست محبوبیتی آن آهنگ را تکرار کند و او هم به فراموشی سپرده شد.

به جز این اسامی خوانندگانی که ذکر شد نام‌هایی را چون آرش دلفان یا قطعه «دوباره دل» یا همان «دوباره دل هوای تو بودن کرده» و حتی مجید رکنی را با ترانه آخرین معشوق می‌توان ذکر کرد، خوانندگانی که زمانی وایرال شدند که پخش و انتشار یک آهنگ چندان هم ساده نبود. با نگاه به آمار و مسال‌های بروز و ظهور این خوانندگان، می‌توان تعدد این نام‌ها را به دلیل موجی دانست که با ظهور دستگاه‌های جدید پخش شکل گرفته بود، از طرفی هم موسیقی دهه ۸۰ را می‌توان دوران همه‌گیری پاپ در ایران دانست، با آنکه تولیدات آن سال‌ها از امروز موسیقی ایران کمتر بود؛ اما با این حال امکان شنیده شدن وجود داشت، به همان اندازه که امکان فراموش شدن بسیار محتمل بود.



پنجشنبه ۲۴ آبان ۱۴۰۳



شماره ۴۲۷۹



FARHIKHTEGANDAILY.COM



FARHIKHTEGANONLINE